

## به رسم دین "هندو"

چه بی امنی بکشور میزند داد؟  
زدست "غ"، همه در حال فریاد  
ز کارهایش، سفرهایش زیاد است  
زیول خلق، مصرفهایش زیاد است  
به شاخی پول ملت می کند باد  
مشاورهای بیکاره، شده زیاد  
زند لاف های بیجا، گاه و بیگاه  
ندارد اهلیت، قدرپرگاه (۱)  
همه روزه بکشور گشت و خون است  
به کار مملکت بی حد زبون است  
نه شرمی دارد از خالق، نه مخلوق  
کند دائم زراندوزی به صندوق (۲)  
برد با خود به پیش کردگارش؟!  
همه آخربگر دد، زهرمارش  
گذشته ماه ها، کابینه خالیست  
از اینرو هر طرف، میدان شغالیست  
بوند دزدان، بسی هوشیار و جالاک  
نمایند بانک ها را، یکسره پاک  
هر آن دزدی که با دولت، شریک است  
شکم پندیده و، مانند خیک است  
بود پهلویش آخر، "ع" چکاره؟  
بود او یک پیاده "غ" سواره  
چه حاصل شد از این وحدت ملی؟  
یکی با قدرت و دیگر چو ملی

ندارد قدرت، پوست کردن پیا ز!  
غنی هر جا بود، سرخان و پیشتانز  
به زیر ریش "ع و غ" به کابل

بگشت فرخنده پرپر، همچو یک گل  
به رسم دین "هندو"، جمع بی دین  
بسوزاندند ورا، از خشم و از کین  
همیشه "حیدری" در فکر و سودا  
چه آخر بور شود، زین دولت ما؟ (۳)

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری  
۲۰۱۵، ۰۴، ۰۷، سدنی، آسترالیا

- (۱) اهلیت - لیاقت داشتن، شایستگی، سزاواری  
(۲) صندوق- به اصطلاح بانک  
(۳) بور- کردن کاری که در اثر آن شرمنده شود، یا به اصطلاح عوام بیرون شدن.  
ع و غ- به ابتکار داکتر صاحب بشر دوست، مخفف نام های مبارک!! داکتر عبدالله و اشرف  
غنی میباشد.